

قرآن دهم

جلسه شانزدهم

دیرستان شهید مدنی (ره) همدان

خلیل عقیلی فرج



یادآوری

□ حروف ناخوانا در چند دسته تقسیم بندی می شوند:

وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

□ ۱- حروف «واو» و «یاء» پایه الف مقصوره ←

□ ۲- حروف «الف»، «واو» و «یاء» پایه همزه ← مُؤْمِنُونَ ، أَرَائِكَ ، يُبْدِي

آشنایی با قواعد روخوانی

■ حروف ناخوانا

یادآوری

۳- الف (همزه) وصل: به منظور جلوگیری از شروع کلمات با حرف ساکن، در زبان عربی از همزه وصل استفاده می شود. این همزه در **ابتدای کلام خوانا** و **در وسط کلام ناخوانا** است.

الَّذِينَ يظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

آشنایی با قواعد روخوانی

■ حروف ناخوانا

یادآوری

۴- الف زینت: در انتهای کلماتی که به «واو» ختم می شوند، می آید و خوانده نمی شود.

يٰۤاَيُّهَا اِسْرٰٓءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنْىٰ فَاَضَلْتُكُمْ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ



الَّذِيْنَ يُّظَنُّوْنَ اَنْهُمْ مُّلَقُوْا رَبِّهِمْ وَاَنْهُمْ اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ

آشنایی با قواعد روخوانی (۱۴)

وقف و ابتدا

وقف به معنای توقف قرائت و ابتدا به معنای شروع دوباره قرائت در حین تلاوت قرآن است.

❖ مهمترین عوامل وقف کردن

- ❑ کمبود نفس
- ❑ رسیدن به انتهای آیه یا سوره
- ❑ وقف های اضطراری مانند عطسه، گرفتن صدا و...

آشنایی با قواعد روخوانی (۱۴)

وقف و ابتدا

بهترین محل برای وقف کردن جایی است که معنای عبارت قبل از محل وقف کامل باشد.

تقریباً همه کلماتی که دارای علامت‌های وقف هستند (به جز علامت «لا» و سه نقطه)، محل

مناسبی برای وقف هستند.



﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْ هِيَ مَوْقِيتٌ لِلنَّاسِ وَالْحَجَّ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآتُوا
الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ع وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾



آشنایی با قواعد روخوانی (۱۴)

وقف و ابتدا

در جایی که علامت وقف نداریم و آیه طولانی می شود، باید از معنای آیات برای یافتن محل مناسب وقف استفاده نماییم.

در این حالت اجازه شروع دوباره از ادامه را نداریم و برای ابتدا، یک یا چند کلمه به عقب برگردیم تا محل مناسب ابتدای دوباره را بیابیم به طوری که معنای عبارت بعدی هم کامل باشد.



وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾



سورة التکویر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا
الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ
حُشِرَتْ ﴿٥﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ
﴿٧﴾ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا
الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ

سُعْرَت ﴿١٢﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا
أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿١٥﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾
وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ
رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ
ثُمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ
الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ
شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَاءُونَ
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ

□ نکره بودن «نفس» معنای عمومیت دارد «» یعنی همه می دانند که چه چیزی را برای قیامت خود حاضر کرده اند.

□ «أَحْضَرَتْ» می تواند مجاز از این باشد که چنان اعمال انسان حاضر، عیان و واضح است که امکان انکار آن وجود ندارد.

□ و المعنى أنه لا يثبت عنها شيء فکان کلها حاضره و قيل أن المراد صحائف الأعمال.

ومن الله التوفيق

عقيلي فرج

Draghili.blog.ir

Sapp.ir/andishkade

طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۷۵

دبیرستان شهید مدنی همدان